

## سعادت را در کجا می‌توان یافت؟

سمیناری برگزار شد و پنجاه نفر در آن حضور یافتند، سخنران به سخن گفتن مشغول بود و ناگاه سکوت کرد و به هر یک از حاضرین بادکنکی داد و تقاضا کرد با ماژیک روی آن اسم خود را بنویسند، بعد آنها را جمع کرد و در اطاقی دیگر نهاد حال از حاضرین خواست که به اطاق دیگر بروند و هر یک بادکنکی را که نامش روی آن بود بیابد همه باید ظرف پنج دقیقه بادکنک خود را بیابند همه دیوانه‌وار به جستجو پرداختند یکدیگر را هل می‌دادند به یکدیگر برخورد میکردند و هر ج و مرجی راه انداخته بودند که حدی نداشت مهلت به پایان رسید و هیچکس نتوانست بادکنک خود را بیابد بعد از همه خواسته شد که هر یک بادکنکی را اتفاقی بردارد و آن را به کسی بدهد که نامش روی آن نوشته شده است، در کمتر از پنج دقیقه همه به بادکنک خود دست یافتند سخنران ادامه داد گفت، "همین اتفاق در زندگی ما می‌افتد. همه دیوانه‌وار و سرا سیمه در جستجوی سعادت خویش به این سوی و آن سوی چنگ می‌اندازیم و نمی‌دانیم سعادت ما در کجا واقع شده است. سعادت ما در سعادت و مسرت دیگران است. به یک دست سعادت آنها را به آنها بدهید و سعادت خود را از دست دیگر بگیرید.